

پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

تحلیل و بررسی محل در چک و برات در حقوق ایران

۱. فرشته حسنی: دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

۲. سیامک جعفرزاده*: دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. پست الکترونیک:

s.jafarzadeh@urmia.ac.ir (نویسنده مسئول)

۳. سلمان علی پور: استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

چکیده

محل در چک و برات یکی از مسائلی است که پیرامون این اسناد تجاری وجود دارد و علی‌رغم پذیرش آن در حقوق تجارت ایران، بحث راجع به موضوعات و مسائلی که در قلمرو آن مطرح است، از جمله بحث انتقال مالکیت محل و به طور کلی فایده پیش بینی آن در چک و برات، به علت سکوت قانونگذار، مجهول باقی مانده است، همین امر اختلافات زیادی را در این زمینه به وجود آورده است، اختلافاتی که روابط دارنده با مسئولین سند را تحت تأثیر و حقوق وی را در معرض خطر قرار داده است. آنچه که مناسب با قواعد محل در اسناد تجاری است و در کنار تأمین هر چه بیشتر حقوق دارنده سند، اعتبار و امنیت استفاده از اسناد تجاری را فراهم می‌کند، قبول نظریه انتقال مالکیت محل در چک و برات است. اما پذیرش این نظر نیازمند تفسیر و تحلیل قوانین موجود بر پایه اصول و مبانی حقوقی است که وجود چنین قاعده‌ای در مقررات راجع به اسناد تجاری را توجیه نماید. با این همه قانونگذار ما جهت حمایت از دارنده این اسناد، بر پایه تعهدات مستقل از روابط حقوقی پایه، متعهدین سند را در مقابل دارنده مسئول تضامنی در پرداخت وجه چک و برات قرار داده است. راه حلی که به اندازه پذیرش قاعده انتقال مالکیت محل نمی‌تواند حقوق دارنده تأمین کند و تأثیر آن زمانی نمایان می‌گردد که دارنده برای دریافت وجه سند در سررسید، مجبور باشد به یکی از مسئولین ورشکسته مراجعه کند که در این حالت چاره‌ای ندارد جز اینکه در ردیف سایر طلبکاران ورشکسته قرار بگیرد، اما با وجود چنین مقرراتی و با بررسی مجموعه موادی که راجع به محل در قانون تجارت ما پیش بینی شده، مشخص می‌گردد که در قواعد مربوط به اسناد تجاری انتقال مالکیت محل مورد قبول واقع نگردیده است.

واژگان کلیدی: چک، محل، برات، ظهرنویسی، اسناد تجاری.

حسینی، فرشته، جعفرزاده، سیامک، و علی پور، سلمان. (۱۴۰۲). بررسی فقهی و حقوقی فرزندان متولد از ازدواج غیر ثبتی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۳)، ۱۰۱-۹۳.

© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



اختصاص یافتن قانونی خاص تحت عنوان قانون صدور چک با اصلاحات متعدد آن در چند دوره قانونگذاری، علاوه بر بخشی از قانون تجارت به چک از یک سو و اقبال عمومی مردم نسبت به استفاده از این سند تجاری در پرداخت ثمن معاملات و دیون و تضمین پرداخت و حسن انجام تعهد از سوی دیگر، آن را به یکی از کاربردی‌ترین اسناد تجاری به معنی خاص تبدیل کرده است. هر چند که صدور چک ذاتاً عمل تجاری محسوب نمی‌گردد (م ۳۱۴ ق.ت) اما، این موضوع نه تنها از اهمیت این سند نکاسته است، بلکه امتیازات خاص آن یعنی: نداشتن هزینه، امکان صدور اجرائیه نسبت به آن به عنوان سند عادی لازم الاجرا و همچنین امکان تعقیب کیفی صادر کننده به همراه سایر امتیازات عام اسناد تجاری به معنای خاص (برات و سفته)، آن را از اقبال عمومی ویژه برخوردار نموده است. صحت این ادعا، بویژه در این فرض بیشتر به منصفه ظهور می‌رسد که این سند تجاری به صورت بدون وعده و دارای محل صادر گردد، زیرا که در این صورت، ارزش چک برای دارنده و ذینفع با پول نقد برابری می‌کند، هر چند که سند مذکور به اشکال دیگری نیز صادر می‌شود که در عرف و عمل نمی‌توان بین آن و پول نقد تفاوتی قائل شد. بدیهی است که در این مقام نقش «محل» در چک مهمتر و برجسته‌تر از هر عامل دیگر است. زیرا چک اگر بی‌وعده و به روز هم صادر شود ولی فاقد محل باشد، از نظر ارزش نه تنها قابل مقایسه با پول نقد نیست بلکه برای دارنده تا وصول مبلغ مندرج در آن دارای هزینه و مشکلات عدیده حقوقی است که این مشکلات از اعتبار و ارزش آن می‌کاهد. اهمیت «محل» در چک هنگامی بیشتر می‌شود که با این سوال روبرو شویم که آیا با صدور چک، محل به دارنده منتقل می‌شود یا خیر؟

اگر پاسخ به این سوال مثبت باشد، صادر کننده با صدور چک بی‌وعده دارای محل، برات ذمه حاصل می‌کند و محال علیه نمی‌تواند محل این سند را به دارنده چک دیگر که در تاریخ صدور یا سر رسید آن مؤخر از چک اول است، پرداخت نماید و در نتیجه اگر دارنده و ذینفع با تأخیر جهت وصول مبلغ سند مزبور به محال علیه مراجعه کند و در این هنگام محال علیه ورشکست شده و یا اینکه صادر کننده فوت نموده باشد، در مورد ورشکستگی نه تنها نباید در زمره طلبکاران قرار گیرد، بلکه در هر دو مورد لازم است مبلغ مذکور در چک بدون هیچ محدودیتی، به تمام و کمال به دارنده پرداخت شود؛ ولی چنانچه پاسخ ما به سوال فوق منفی باشد قضیه بر عکس می‌شود و دارنده و ذینفع چک در وصول کل مبلغ مندرج در آن با تعدد طلبکاران و محدودیت مواجه می‌گردد. به منظور پاسخ به این سوال اساسی و سایر سوالات مرتبط با آن، در این مقاله پس از پرداختن به مفهوم، ماهیت و ویژگی‌های محل، سعی شده با تحلیل ماهیت چک و اوصاف حاکم بر آن، نظریه پیشنهادی توجیه و تبیین شود.

معنای محل

ماده ۳۱۰ قانون تجارت در تعریف چک مقرر می‌دارد:

«چک نوشته‌ای است که به موجب آن، صادرکننده، وجوهی را که در نزد محال علیه دارد، کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید» و ماده ۳۱۱ همان قانون هم اذعان می‌دارد: «در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد و پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد».

با عنایت به دو ماده مرقوم از قانون تجارت بدین نکات نایل می‌شویم که: اولاً، صادرکننده چک قبل از صدور چک مبالغی پول در نزد محال علیه دارد. ثانیاً، مبالغ پول در نزد محال علیه از نوع وجه نقد، از قبل وجود داشته و یا در زمان صدور چک با حال شدن طلب به وجود آمده

است. ثالثاً، صاحب حساب با اطمینان از اینکه وجوه وی در نزد محال^۱ علیه بصورت عین و نه دین موجود می‌باشد و وی می‌تواند به محض ارائه چک مبلغ مندرج در آن را به دارنده پرداخت نماید، مبادرت به صدور سند مزبور، آن هم بدون وعده در پرداخت وجه می‌نماید (قید آخر ماده ۳۱۱ قانون تجارت). معنای محل در این سند تجاری همان وجوه به شرح فوق الذکر می‌باشد. با توضیحاتی که آورده شده، در این مقام می‌بایست به تعریفی جامع و مانع از محل چک نایل آمد.

تعریف محل

تعاریف متعددی در خصوص محل ارائه گردیده است. اولین تعریف این است که، "محل عبارت است از طلب صادر کننده از محال^۲ علیه و صادر کننده که به منظور استرداد طلب خویش اقدام به صدور چک می‌نماید." (شیوا رضوی، بی تا: ۳۵۱). بر این تعریف اشکالاتی وارد است؛ بدین قرار که، استفاده از عبارت (طلب) برای محل چک آن هم به صورت مطلق، صحیح نیست، چرا که متبادر به ذهن از این کلمه، هم پول است و هم عمل و کار دارای ارزش مالی. حال اینکه منظور نظر قانونگذار از محل، فقط وجه نقد است نه عمل و کار. دیگر اینکه، عبارت (طلب) مبین دینی است که بر ذمه مدیون است و او موقتاً پولی ندارد که آن را به داین پرداخت نماید و لذا در آینده پرداخت خواهد نمود. بر همین اساس قانونگذار قانون تجارت با آوردن قیود (وجوهی را که در نزد محل علیه دارد در ماده ۳۱۱ قانون تجارت) و (باید به محض ارائه کارسازی شود) در ماده ۳۱۳ قانون تجارت، منصرف از بکاربردن مفهوم طلب برای محل در چک است.

دومین تعریف، عبارت است از اینکه «کسی که چکی را تنظیم و امضا می‌نماید و به بانک دستور می‌دهد مبلغ معین در وجه شخص معین در تاریخ مصرحه در چک پرداخت شود، باید در هنگام اصدار آن چک وجه نقد یا اعتبار در حساب جاری خود داشته باشد و این وجه نقد یا اعتبار را محل چک می‌گویند» (راستین، ۱۳۵۳، صفحه ۳۱۱). در این تعریف تنها نکته‌ای که می‌بایست بدان پرداخت، قید (اعتبار) است، بدین معنی که صادر کننده چنانچه وجه نقد در حساب جاری خود نداشته باشد، حداقل باید اعتبار قابل استفاده داشته باشد تا وجه چک به دارنده پرداخت گردد. از این قید در هیچیک از مواد قانون تجارت در بخش مواد مربوط به چک در قانون تجارت و حتی قانون اصلاحی صدور چک مصوب سال ۱۳۸۲ مطلبی به میان نیامده است ولی ماده ۳ قانون صدور چک سابق مقرر می‌داشت که "صادر کننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال^۳ علیه محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده) داشته باشد."

منظور از اعتبار قابل استفاده هم، مبلغ تخصیص یافته از سوی بانک محال^۴ علیه به علل متفاوت، از جمله گردش قابل توجه حساب جاری صادر کننده یا تحت عناوین دیگر است؛ به نحویکه اختصاص این مبلغ به منزله وجود آن در حساب جاری وی بوده و از این نظر در حکم وجه نقد موجود در آن حساب می‌باشد. در وضع فعلی، قانون صدور چک فاقد قید (اعتبار قابل استفاده) است، در این مورد بنظر می‌رسد قانونگذار بدین نکته عنایت داشته که شاید یک شخص صرفاً با توجه به اعتبار قابل استفاده خود، مبادرت به صدور چک بنماید ولی دارنده به هنگام ارائه آن چک بنا به هر دلیل با امتناع بانک از پرداخت - منجمله اشتباه در تخصیص و تعیین اعتبار و میزان آن به صادرکننده - مواجه شود و در نتیجه موجب بلا تکلیفی دارنده گردد، چرا که از یک طرف صادر کننده به هنگام صدور چک دارای اعتبار قابل استفاده بوده و بنابراین مطابق قانون تجارت صادر گردیده و از طرف دیگر بانک بعداً تشخیص می‌دهد که تخصیص اعتبار برای وی صحیح نبوده و لذا تعقیب کیفری صادر کننده با مشکل قانونی مواجه گردیده و موجب تضییع حق دارنده می‌شود.

با این وجود پرداخت وجه چک توسط بانک از اعتبار قابل استفاده، مغایرتی با قوانین موضوعه فعلی حاکم ندارد و بعد از پرداخت شدن وجه چک، بانک محالاً علیه نمی‌تواند تحت عنوان دارا شدن ناعادلانه و یا ایفاء ناروا مبادرت به مطالبه مبلغ پرداخت شده از دارنده نماید چرا که مبلغ را به دستور صادرکننده که دارای حساب بانکی در آن بانک است پرداخت نموده و لذا با وی طرف حساب است؛ پس در یک کلام و به صورت مختصر در تعریف محل می‌توان گفت که "محل در چک عبارت است از وجوه نقد امانی، طلب حال شده و یا اعتبار قابل استفاده صادر کننده نزد محال علیه که به اعتبار آن، در حق خود یا شخص دیگر مبادرت به صدور چک مینماید." در این تعریف اولاً، (وجوه نقد موجود) به صراحت، انصراف مفهوم محل در چک از مفهوم طلب صرف (و نه حال شده که مدیون متمکن از پرداخت آن شده) را می‌رساند لذا مشکل موجود در تعریف اول را از این جهت ندارد. ثانیاً، این تعریف دقیقاً مطابق با صراحت مواد ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۳ قانون تجارت است.

ماهیت محل

برای اینکه بتوان ماهیت محل را شناخت، ابتدا به این سوال باید پاسخ داد که محل چک به چه طریق و تحت چه عنوان نزد محال علیه ایجاد میشود؟ در پاسخ سه طریق و عنوان را می‌توان مطرح نمود که عبارتند از: پول امانی، طلب حال شده متمکن از پرداخت و اعتبار قابل تقویم و تبدیل به پول قابل استفاده.

وجوه نقد امانی

در این معنا، پول نقد صادر کننده چک، به عنوان امانت، همانند پول یافت شده و یا تحت یکی از عقود امانت آور مثل عقد ودیعه، در اختیار محال علیه قرار گرفته و او موظف است که آن وجوه نقد را به مالکش مسترد نماید و یا اینکه به شخصی که او دستور می‌دهد، پرداخت نماید.

طلب مسلم حال شده متمکن از پرداخت

در این وضعیت، محال علیه، بدهکار و مدیون صادر کننده چک می‌باشد و موعد پرداخت بدهی و ادای دین اش فرا رسیده و وجوه لازم از بابت پرداخت دین خود را فراهم نموده و آماده پرداخت می‌باشد و طلبکار نیز بر همین اساس مبادرت به صدور چک در راستای ادای دین خود به شخص دیگر می‌کند. بدیهی است که طلب صادر کننده از محال علیه می‌بایست مسلم و قطعی (غیر اختلافی) و دارای امکان پرداخت باشد، زیرا تا زمانی که تمکن از پرداخت آن برای مدیون حاصل نشده، منجر به پرداخت نمی‌گردد و طلب اختلافی تا زمانی که به قطعیت نرسیده، ادعایی بیش نیست، بنابراین نمی‌تواند محل چک محسوب شود. همچنین است وضعیت پولی که توقیف شده و متعلق حق غیر قرار میگیرد. لازم به توضیح است که آنچه حافظ حقوق دارندگان چک در خصوص وجوه موضوع محل چک در نزد محال علیه است، حسب اینکه وجوه مزبور امانی باشد یا طلب حال، به ترتیب ضمانتهای اجرایی کیفری و مسوولیت مدنی موضوع قانون مجازات اسلامی در باب خیانت در امانت و قانون مسوولیت مدنی و ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی مصوب ۱۳۹۴ ناظر بر ماده ۲۱۸ قانون مدنی است.

اعتبار قابل تقویم و تبدیل به پول قابل استفاده

ماده ۳ قانون صدور چک سابق بصراحت اعتبار قابل استفاده را در ردیف وجه نقد آورده بود که وجه چک میتواند محل چک برای پرداخت باشد اما، قانون اصلاحی چک مصوب سال ۱۳۸۲ به این موضوع تصریح ندارد. با این وجود همچنان می‌توان اعتبار قابل استفاده را به دلیل سهولت تقویم و تبدیل آن به پول، به عنوان یک قاعده حقوقی پذیرفت، چرا که از وجوه حاصل از این اعتبار به راحتی مبلغ چک قابل پرداخت میگردد و منع قانونی هم در این خصوص وجود ندارد، مضاف بر اینکه با این کار هم دارنده چک حق خود را وصول می‌نماید و هم صادرکننده

چک بری الذمه میشود و هم اینکه نظر قانونگذار مبنی بر احتراز از ارتکاب بزه صدور چک بلامحل تامین می‌شود و اصولاً قانونگذار فقط به این خاطر که اعتبار قابل استفاده تقویم و تبدیل به پول نقد میشود لزومی به تصریح آن در قانون تشخیص نداده و مهمتر این که دلیلی هم وجود ندارد که دارنده را از این حق محروم نمود. اما با این وجود بعضی از اساتید حقوق فقط به این دلیل که در ماده ۳ قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳۸۲ دیگر صحبتی از اعتبار قابل استفاده به میان نیامده، نظر داده‌اند که محل چک نمی‌تواند چیزی غیر از وجه نقد باشد (اسکینی، ۱۳۸۸: ۳۵). حال اینکه این نظر، با توجه به مطالب فوق‌الذکر محل انتقاد است. با عنایت به مراتب مذکور، روشن است که ماهیت محل چک، حسب نحوه تشکیل آن نمیتواند چیزی جز پول نقد امانی یا طلب حال شده و یا اعتبار قابل استفاده‌ای که به سهولت قابل تقویم و تبدیل به پول باشد. اما باید به این سوال پاسخ داد که اگر وجه نقد متعلق به مالک آن در نزد محال علیه، امانت باشد، با وجود این محال علیه میتواند از آن استفاده نماید و در هنگام درخواست مالک، از مال خود به میزان آن پرداخت نماید یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که اولاً، با توجه به این که پول نقد جاری، عین و جزء اموال مثلی است و ثانیاً، هر مال مثلی در همه اجزاء خود از نظر نوع و ارزش یکسان است، به نحویکه با رد مثل آن در موردی که مودی که امانت بوده و یا به عنوان دین در ذمه باشد، امین یا مدیون حسب مورد از مسوولیت امانتداری خلاص و بری الذمه میشوند. بنابراین استفاده از آن مال برای محال علیه، به شرط داشتن جایگزین بصورت نقد بلامانع بوده و در غیر این صورت بی تردید از مصادیق بلاوجه تبدیل ارادی مسوولیت امانی در رد عین به پرداخت دین، آن هم بدون اجازه صاحب مال بوده و در نتیجه خیانت در امانت است.

ویژگی‌های محل

ویژگی‌هایی محل در چک عبارت است از اینکه اولاً، محل چک وجه (پول) است. با این ویژگی مشخص می‌گردد که محل چک نمی‌تواند تعهد به انجام کار یا عملی باشد، چرا که چک وسیله استرداد یا انتقال پول خود از نزد محال علیه به شخص دیگر است. ثانیاً، محل چک عین است. پر واضح است که منظور از قید (نقد) برای وجوه موضوع محل چک (عینیت) آنها است و بدینوسیله آن را از (دین) متمایز می‌نماید. بنابراین دینی که بر ذمه محال علیه است، هر چند که نوع آن پول باشد برای چک محل محسوب نمی‌شود. حال با توجه به تعریفی که از محل ارائه گردید، باید به این سوال پاسخ داد که آیا دینی که نوع آن پول است و مدیون برای پرداخت آن تمکن پیدا کرده و پرداخت آن هم فرارسیده و به اعتبار آن صادر کننده مبادرت به صدور چک نموده، می‌توان محل چک محسوب نمود یا خیر؟ به نظر می‌رسد که پاسخ سوال مثبت است. این نظر با توجه به ماده ۲۱۸ قانون مدنی و ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در خصوص معامله به قصد فرار از دین تقویت می‌گردد. با این توضیح که به محض اینکه مدیون در سررسید دین خود، با تحصیل پول، متمکن از پرداخت گردید، نمی‌تواند با آن معامله‌ای بکند، در غیر این صورت، اعم از اینکه آن معامله را باطل بدانیم یا غیر قابل استناد، نسبت به داین فاقد اعتبار و اثر قانونی است. با این وصف، چنین پولی به محض تحصیل و عینیت یافتن، متعلق حق داین قرار می‌گیرد، و او می‌تواند آن وجوه را به عنوان طلب خود مطالبه و یا در مقام اداء دین به دیگری واگذار نماید. پس آن وجوه را می‌توان محل چک هم محسوب نمود. ثالثاً، وجوه موضوع محل حسب مورد، قبل یا در هنگام صدور و یا تاریخ مندرج در چک موجود باشد. در اینکه وجوه متعلق به صادر کننده نزد محال علیه که قبل یا هنگام صدور فراهم و موجود شده، محل چک محسوب می‌شود، نمی‌توان تردید نمود، اما در مورد چک وعده دار، موضوع نیازمند بررسی است. با این توضیح که ماده ۳۱۱ ق.ت در مورد چک مقرر می‌دارد: (... پرداخت نباید وعده داشته باشد) و همسو با آن، ماده ۳۱۳ همان قانون اشعار دارد

که: (وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود). از ظاهر عبارات به کار رفته در این دو ماده قانونی چنین برمی آید، برای این که چک به محض ارائه کارسازی شده و در نتیجه منجر به عدم پرداخت نشود، باید به صورت بدون وعده صادر گردد.

پیامد تفسیر فوق با توجه به نحوه صدور و نوع استفاده غالب از این سند در عرف، ذهن را با این سوال درگیر می کند که اگر تاریخ مندرج در چک مؤخر از تاریخ واقعی باشد که در آن تاریخ تنظیم شده است، آیا از نظر قانونی می توان آن را چک محسوب نمود تا مشمول امتیازات قانونی شود یا خیر؟ پاسخ این سوال با توجه به تفسیر ارائه شده در بالا، منفی است، چرا که بر خلاف قانون، وجه چک به دلیل وعده دار بودن، به محض ارائه شدن به محال علیه قابلیت کارسازی نداشته و در نتیجه منتهی به عدم پرداخت می گردد. اما این نتیجه در عمل در تقابل با عرف بانکداری و رویه قضایی در رسیدگی به پرونده های مطالبه وجه چکهای منتهی به گواهی عدم پرداخت بوده و هست. البته شاید بتوان ادعا کرد که ماده ۳ قانون اصلاحی قانون صدور چک اصلاحی که مقرر می دارد: (صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ چک، در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد...) ماده ۳۱۱ قانون تجارت را نسخ ضمنی کرده است، زیرا آنچه از اطلاق قید (تاریخ مندرج) به خوبی استفاده می شود این است که اولاً، تاریخ چک می تواند هم تاریخ صدور باشد و هم تاریخی مؤخر بر صدور و ثانیاً، چنانچه چک به صورت وعده دار صادر شود، ولی قبل از حلول سر رسید، توسط دارنده جهت وصول ارائه شود، محال علیه از نظر قانونی نباید مبلغ مندرج در آن را کارسازی و به او پرداخت نماید، هر چند که چک مزبور محل هم داشته باشد. زیرا که او به صورت مطلق (با دلیل یا بدون دلیل) صدور چک به صورت وعده دار را در حق خود پذیرفته است (ماده ۱۰ ق.م). اما اگر دلیلی هم وجود داشته باشد که صادر کننده بخاطر آن توانسته طرف مقابل را به قبول چک وعده دار متقاعد کند، آن دلیل به عنوان مثال می تواند این باشد که محل چک، مبلغ سپرده است که در تاریخ معین سود یا امتیازی مانند حق دریافت وام و یا شرکت در قرعه کشی به مالک آن تعلق خواهد گرفت که او در صدور چک این موضوع را لحاظ نموده است و چک را به تاریخ مؤخر از تاریخ واقعی صدور، یعنی زمان بعد از دارا شدن آن حقوق صادر کرده است.

به نظر می رسد، هر آنچه در تفسیر و تشریح ماده ۳ قانون صدور چک اصلاحی مصوب سال ۱۳۸۲ آورده شد قابل پذیرش است، غیر از نسخ ماده ۳۱۱ ق.ت، با این توضیح که ماده مزبور چنانچه مقرر می داشت: صدور نباید وعده دار باشد، و بدینوسیله، تاکید بر صدور داشت، پذیرش نسخ دور از ذهن نبود، اما این ماده مقرر می دارد که: پرداخت نباید وعده داشته باشد، نه صدور. صدور حاوی دستوری است در خطاب به محال علیه تا مبلغ چک را پرداخت نماید، لذا پرداخت عملی است که مربوط به محال علیه است برخلاف صدور که مر بوط به صادر کننده است. بنابراین، منظور از ماده ۳۱۱ ق.ت این است که با مراجعه دارنده و به محض ارائه چک، محال علیه باید وجه چک را کارسازی (ماده ۳۱۳ ق.ت) و پرداخت نماید، نه اینکه وعده داده و موکول به زمان بعد نماید.

حال با توجه به ثابت شدن اینکه صدور چک وعده دار از نظر قانونی منعی ندارد و چنین چکی (غیر از جنبه کیفری) واجد تمامی حقوق و مزایای شناخته شده در قانون تجارت برای چک می باشد، می توان به این نتیجه رسید که وجوه متعلق به صادر کننده چک نزد محال علیه که قبل، یا در هنگام صدور و یا تاریخ مندرج در چک در چکهای وعده دار، فراهم و موجود گردیده، محل چک محسوب می گردد. رابعاً، صادر کننده مالک آن وجوه نقد باشد. با این وصف صادر کننده نمی تواند به اعتبار وجوه متعلق به شخص دیگر، که به رسم امانتداری از آنها در یک حساب بانکی نگهداری می نماید، مبادرت به صدور چک کند، در غیر این صورت با خیانت در وجوه امانی، ید امانی او تبدیل به ید ضمانی غاصبانه می گردد و از نظر کیفری و مدنی قابل تعقیب و مسوول است. حال در این فرض باید دید که آیا مالک وجوه امانی می تواند وجوه مزبور

را از صادر کننده و دارنده به صورت تضامنی مطالبه و استرداد نماید یاخیر؟ به نظر می‌رسد که این حق برای مالک وجوه امانی وجود دارد. مبنای این حق به موجب ماده ۳۱۶ق.م، حق رجوع به غاصب است، هر چند که به غاصبیت صادر کننده چک-که با صدور آن سند از محل وجوه امانی متعلق به دیگری ضمان غاصبانه یافته- جاهل باشد. خامساً، قبل انتقال و واگذاری به دیگری به نحوی از انحاء مختلف، قبل از صدور چک قابل استرداد از ناحیه مالک و بعد از صدور قابل برداشت توسط دارنده چک و ذینفع آن به عنوان قائم مقام خاص صادر کننده است نه کس دیگر. وصف قابل استرداد و برداشت بودن محل چک، مبین این مطلب است که محل چک قبل از صدور آن در قبال بدهی صادر کننده به شخص ثالث، نزد محال علیه توقیف و متعلق حق غیر واقع نشده باشد، در غیر اینصورت قابل استرداد و برداشت، نیست. سادساً، بدون وعده و آماده پرداخت باشد. یعنی اینکه از نظر پرداخت چک سند تجاری دیداری می‌باشد نه به وعده. این مفهوم در ماده ۳۱۳ قانون تجارت لحاظ گردیده که مقرر میدارد: "وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود." چرا که، چک به منظور تسهیل نقل و انتقال وجه از یک شخص به شخص دیگر تأسیس گردیده و عل الظاهر نظر قانونگذار با توجه به مقرر نمودن امتیازات ویژه به این سند خصوصاً حق تعقیب کیفری صادر کننده و لازم الاجرا دانستن آن - خواسته است که با چک در حکم پول نقد برخورد شود و با صدور چک دارای شرایط قانونی و محل، دارنده از آن پس نتواند به صادر کننده یا سایر مسؤلین پرداخت مراجعه کند. مگر اینکه سند مزبور فاقد محل باشد. به تعبیر دیگر شاید به جرأت بتوان ادعا کرد که با صدور چک دارای محل، صادر کننده و سایر مسؤلین چک به صورت مشروط نسبت مبلغ مندرج در آن بری‌الذمه میشوند. لذا دارنده چک براساس ماده ۳۱۵ قانون تجارت می‌بایست حسب مورد در ظرف مواعد پانزده روز و ۴۵ روز از تاریخ صدور نسبت مراجعه و اخذ مبلغ چک از محال علیه اقدام نماید. در غیر اینصورت چنانچه وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود، دعوای دارنده چک بر علیه صادرکننده در محکمه پذیرفته نمی‌شود. بنابراین، چنانچه دارنده در ظرف مواعد مذکور در ماده مرقوم با تسلیم چک مبلغ مندرج در آن را از محال علیه اخذ نمود و یا اینکه در ظرف مواعد مذکور مراجعه نمود و از طرفی هم وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه و نه صادرکننده بوده از بین رفت، صادر کننده بصورت قطعی بری‌الذمه میشود؛ زیرا در این وضعیت دعوای مطالبه وجه چک بر علیه او قابلیت استماع ندارد.

علت این امر واضح است؛ چرا که در حالت اول ایفاء تعهد به صورت قطعی واقع میگردد و درحالت دوم سبب از بین رفتن وجه چک در دست محال علیه، تعدی و تفریط او و یا قوه قاهره و اقدام دارنده بوده است. پس در صورتی که تعدی و تفریط محال علیه علت از بین رفتن وجه چک باشد، چون او تکلیف نگهداری از آن را داشته و به تکلیف خود عمل ننموده، مسؤل پرداخت است نه صادر کننده مگر اینکه ثابت نماید علت از بین رفتن وجه چک قوه قاهره و یا اقدام دارنده بوده است. حال، پس از ذکر و توصیف ویژگی‌های محل می‌باید بدین نکته پرداخت که چک دارای چه ویژگی‌های است؟

نتیجه‌گیری

محل که از وجوه نقد امانی یا طلب حال شده صادر کننده چک و برات در نزد محال علیه تشکیل شده است و صادر کننده سند به اتکای وجود فعلی یا وجود آن در سررسید مبادرت به صدور چک و برات کرده است، محل در اسناد تجاری در نظام‌های حقوقی مختلف و حتی در کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، با این وجود و با اختیاری که کشورهای عضو کنوانسیون بین‌المللی ژنو در خصوص وضع مقررات داخلی راجع به محل از قانون این کنوانسیون دریافت کرده اند، برخی از نظام‌های حقوقی مانند حقوق انگلیس به

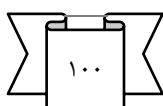
طور کلی وجود محل را در سند تجاری قابل پذیرش ندانسته اند و برخی دیگر مانند آیالات متحده آمریکا علی رغم پذیرش محل، به طور کلی قابلیت انتقال قانونی یا قراردادی مالکیت آن به دارنده سند را مردود اعلام کرده اند و بعضی کشورها مانند آلمان و ایتالیا با مخالفت در انتقال مالکیت محل به دارنده، امکان پیش بینی آن به نفع دارنده در زمان صدور سند را فراهم آورده اند و بعضی دیگر مانند نظام حقوقی فرانسه، به طور قطع وجود محل و انتقال مالکیت آن به دارنده را مورد پذیرش قرار داده اند. در این میان قانون تجارت کشور ما، علی رغم آشنایی با محل در اسناد تجاری، انتقال مالکیت محل به دارنده به طور خود به خود و به موجب قانون را پیش بینی نکرده و در این خصوص ساکت است. همین امر موجبات به وجود آمدن اختلاف نظر میان دکترین و حقوقدانان را فراهم آورده است. اما با وجود نظرات و نگرش‌های مختلف در این زمینه، اشخاصی که بر این نظر هستند که مالکیت محل به دارنده چک و برات منتقل می‌شود، مبنایی حقوقی برای نظر خود ارائه نداده اند. با این حال در صورت عدم وصول سند در رسید، رجوع دارنده به مسئولین سند تجاری با توجه به ویژگی‌هایی که در این اسناد وجود دارد و بر پایه تعهد مستقل براتی قابل توجیه می‌باشد. هر چند نمی‌توان نقش انکارناپذیر «محل» به عنوان عاملی موثر در پرداخت را نادیده گرفت. لذا یکی از ظرفیت‌های مهم قانونگذاری برای اعتبار بخشیدن به اسناد تجاری و حمایت از حقوق دارنده و همچنین ایجاد امنیت و اطمینان در استفاده از چک و برات در روابط معاملاتی و به تبع سرعت در انجام آن‌ها، موضوع انتقال محل چک و برات و یا ایجاد حق انحصاری دارنده بر آن با صدور سند و انتقال به دارندگان بعدی با ظهنروسی است. رویکردی که اثر حقوقی آن می‌تواند تا حد زیادی از بلا محل بودن چک و برات جلوگیری کند و نگرانی دارنده را در حدوث فوت و ورشکستگی صادر کننده و در نتیجه ورود به هیأت غرما کاهش دهد. شایان ذکر است که قبول آن کاملاً موافق با ماهیت پذیرفته شده از سوی اکثر حقوقدانان (انتقال طلب) در چک و برات است. بنابراین مشکلات به وجود آمده در این زمینه وضع قوانینی جدید و تعیین کننده از سوی قانونگذار در این راستا را می‌طلبد.

فهرست منابع

- اخلاقی، ب. (۱۳۸۵). جزوه حقوق تجارت ۳ (به کوشش ل. جنیدی). دانشگاه تهران.
- اسکینی، ر. (۱۳۷۳). حقوق تجارت تطبیقی (چاپ اول). مجمع علمی فرهنگی مجد.
- اسکینی، ر. (۱۳۸۸). جزوه حقوق تجارت (چک). دوره دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشگاه تربیت معلم.
- بهرامی، ب. (۱۳۸۴). حقوق تجارت کاربردی (چاپ سوم). موسسه فرهنگی - انتشاراتی نگاه بینه.
- جعفری لنگرودی، م. ج. (۱۳۷۸). عقد حواله (چاپ دوم). گنج دانش.
- دمیرچیلی، م.، حاتمی، ع.، و قرائی، م. (۱۳۸۱). قانون تجارت در نظم کنونی (چاپ دوم). انتشارات خلیج فارس.
- راستین، م. (۱۳۵۳). حقوق بازرگانی (چاپ سوم). انتشارات دانشگاه تهران.
- رضوی، ک. ش. (بی‌تا). گردش چک - گامی در راه تکامل حقوقی چک در ایران. چاپ گیلان.
- شهری، غ. و حسین‌آبادی، ا. (۱۳۷۰). مجموعه نظریات مشورتی اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران در مسائل مدنی از سال ۱۳۵۸ به بعد. روزنامه رسمی.

شهیدی، م. (۱۳۸۱). سقوط تعهدات (چاپ اول). انتشارات مجد.

عرفانی، م. (۱۳۸۵). حقوق تجارت (جلد ۳، چاپ دوم). انتشارات میزان.



عنایت، س. ح. (۱۳۷۲). حواله های بانکی بین المللی و قانون نمونه یونسیترال. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
کاتوزیان، ن. (۱۳۶۲). قواعد عمومی قراردادها (جلد ۴، چاپ اول). انتشارات بهنشر.
کاتوزیان، ن. (۱۳۸۶). حقوق مدنی (نظریه عمومی تعهدات) (چاپ اول). انتشارات دادگستر.

Ashcroft, J., & Charles, R. (1971). College Law for Business. South-Western Publishing Company.
Byles, J. B., Megrah, M., & Ryder, F. R. (1983). Bills of Exchange (25th ed.). Sweet and Maxwell.
Houin, R., & Rodiere, R. (1965). Droit Commercial de Synthese (Vol. II). Paris.
Percerou, J., & Bouteron, J. (1851). La Nouvelle Législation Française et Internationale de la Lettre de Change, du Billet à Ordre, et du Chèque. Recueil Sirey.
Ripert, G., & Roblot, R. (1976). Droit Commercial (Vol. 2). Paris.